

تبصره بر تبصره
(درباره سفینه تاج‌الدین احمد وزیر)
محسن ذاکر الحسینی

پس از چاپ حروفی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (قم، ۱۳۸۱ شمسی)، نقدی بر آن نوشتم که در نامه فرهنگستان (شماره ۲۱، تیر ۱۳۸۲) به چاپ رسید. استاد ارجمند آقای دکتر سلیم نیساری در آن نوشته به دیده عنایت نگریستند و «تبصره‌ای» بر آن نوشتند که در شماره بعدی نامه فرهنگستان (شماره ۲۲، بهمن ۱۳۸۲) چاپ شد. افاضات ایشان را با اشتیاق تمام خواندم و از نکته‌سنجی‌های ایشان مستفیض و منت‌پذیر شدم. اما توضیح چند نکته مندرج در آن نوشته را ضروری یافتم که امیدوارم بار دیگر با حسن نظر ایشان و خوانندگان گرامی تلقی شود.

۱. در تبصره آقای نیساری آمده است:

در متن چاپ حروفی (ص ۱۲۶، جلد اول) قید شده است: «بنمود عجب ز خلق و خویت...». نویسنده مقاله می‌افزاید: به لحاظ معنی «بنمود عجب» ضبط صحیح است. اصطلاح «ضبط» (که اصولاً به مفهوم شکل مکتوب کلمات در نسخه خطی است)، در مورد کلمه اول این مصرع، مترادف با مفهوم «قرائت» به کار رفته است؛ زیرا در ضبط یا کتابت نسخه عکسی (ص ۸۵)، حرف اول در کلمه «بنمود» بی نقطه است. در واقع، پیشنهاد اصلاحی نویسنده مقاله یادشده به صورت «بنمود عجب» قرائت صحیح فعل در آغاز این بیت است و درج کلمه در چاپ حروفی به صورت «بنمود» یک خطا و اشتباه در رونویسی متن محسوب می‌شود.

از آنجا که در تبصره مذکور، اختلاف استنباط از مفهوم کلمه «ضبط»، اساس دو یادداشت انتقادی دیگر نیز قرار گرفته است، تأملی درباره این اصطلاح بجاست. به کار بردن کلمه «ضبط» به مفهوم «شکل مکتوب کلمات در نسخه خطی» ممکن و موجه است، اما در عبارت مورد بحث مفهوم دیگر آن اراده شده است؛ یعنی «صورت صحیح و اصیل متن، آن چنان که باید باشد». قیدهایی «به لحاظ معنی» و «صحیح» در عبارت مذکور، قرینه‌ای است واضح بر اراده مفهوم اخیر و، در فن تصحیح، بیشتر همین معنی مصطلح است. از همین روست که نسخه خطی صحیح و قابل اعتماد را، مطلق، «مضبوط» می‌گویند، وگرنه همه نسخه‌های خطی را - صحیح باشد یا مغلوب - مضبوط می‌بایست خواند.

محض اطمینان بیشتر، به دو پانوش شادروان محمد قزوینی بر تاریخ جهان‌گشای اشاره می‌کنم. قزوینی در مورد «پیرشاه» (نام سلطان غیاث‌الدین) می‌نویسد: «ضبط این کلمه، در کتب تاریخ به طور صراحت یافت نشد» (ج ۲، ص ۲۰۱، پانوش شماره ۲)، و در مورد «غورسانجی» (نام سلطان رکن‌الدین) می‌نویسد: «ضبط نام این شاهزاده، علی وجه التحقيق معلوم نشد» (ج ۲، ص ۲۰۸، پانوش شماره ۲). بدیهی است که «شکل مکتوب کلمه در نسخه خطی» (به تعبیر دکتر نیساری) منظور نبوده است؛ چه، از تحقیق در صحت کلمه سخن آمده، و قزوینی آن را در کتب تاریخ (نه نسخه خطی) جستجو کرده و، در هر دو مورد، صورت مکتوب کلمه از چندین نسخه خطی نقل شده است.

۲. در تبصره آقای نیساری آمده است:

در متن چاپ حروفی (ص ۲۰۰، جلد اول) درج شده است: «ظل زلف تو است در شب و روز...». نویسنده مقاله پس از نقل این مثال، قید کرده است که ضبط صحیح مصراع اول چنین است: «ظلی زلف تو راست در شب و روز». در این مورد هم دقیق‌تر بود اگر تصریح می‌شد که در نسخه خطی «است» ضبط شده است (ص ۱۵۹، چاپ عکسی)، و قید کلمه «راست» به جای کلمه «است»، یک تصحیح قیاسی است.

کلمه مورد نظر، در نسخه عکسی (ص ۱۵۹) دقیقاً «تو راست» خوانده می‌شود، که مطابق املاي قدیم، به صورت پیوسته «تراست» کتابت شده است (← تصویر شماره ۱)؛ بنابراین، ضبط «تو راست» تصحیح قیاسی نیست. این نحوه نوشتن حرف «ر» (با اندکی برآمدگی به هنگام اتصال به ماقبل) در خط کاتب نمونه‌های دیگری هم دارد؛ از جمله در کلمه

«گریه»، در سطر ششم صفحه ۱۵۸ نسخه عکسی (← تصویر شماره ۲).

۳. در مورد بیت

سرگین خاک‌گشته آن سروران پیش بهتر ز ریش وصلت این مهتران ما

آقای نیساری نوشته‌اند:

این جانب مصرع دوم را با توجه به متن نسخه (مندرج در صفحه ۷۶ چاپ عکسی)، چنین می‌خوانم:

بهرتر ز ریش و سبلیت این مهتران ما

قرائت «ریش و سبلیت»، هر چند مأنوس تر است اما، علاوه بر اصل ترجیح ضبط مهجور (lectio difficilior) در تصحیح نسخه‌های خطی، صورت مکتوب عبارت در نسخه عکسی (ص ۷۶) نیز مؤید صحت قرائت «ریش و وصلت» است (← تصویر شماره ۳). «ریش و وصلت» احتمالاً نوعی ریش عاریه و مصنوعی بوده است که مهتران دیوانی برای کسب احترام بیشتر به ریش اصلی خود می‌چسبانیده‌اند (نظیر کلاه‌گیس قضات انگلیسی). مؤید این معنی بیت حکیم شرف‌الدین شغایی است:

آن ریش چَربَاف که در بقچه نگاهش می‌داشت برای در و دیوان به کجارت؟

ریشی که فقط برای «در و دیوان» به کار آید و آن را در بقچه نگاه توان داشت جز آنچه گفته شد چه تواند بود؟ بسنجید با بیت بحث‌انگیز حافظ:

معاشران گره زلف یار باز کنید شبی خوش است بدین وصله‌اش دراز کنید

که به جای «وصله»، در بعضی نسخ و، به تبع، در چاپ قزوینی از دیوان حافظ (ص ۱۶۵) صورت مأنوس «قصه» اختیار شده، اما در بیشتر نسخه‌های کهن و برگزیده مورد استفاده در چاپ خانلری (ج ۱، ص ۴۹۴-۴۹۵) «وصله» یا «وصلت» آمده است. بیت طیان مرغزی: آن ریش نیست جغبت دلال‌خانه‌هاست وقت جماع زیر حریفان فکنندنی است بیت شمس فخری:

در خرابات ریش خصمانش گشت در زیر قحجگان جغبوت

بیت ملا طغرا:

فتاده شب و روز در پیش او به ذوق طبق سفره ریش او

و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های «ریش‌گرو گذاشتن»، «ریش در دست دیگری داشتن»، «از ریش گسستن و بر بروت پیوستن»، و «ریش را بالای بروت گذاشتن» نیز، به رغم

معنای دومی که برای هریک متصوّر است، اراده معنای حقیقی آنها موافق معنای «ریش مصنوعی» است نه «ریش طبیعی».

۴. قرائت عالمانه آقای نیساری از بیت

مجال نامه نوشتن کجا بود چون نیست اجازتِ خبری از نسیم پرسیدن
مندرج در صفحه ۱۲۹ نسخه عکسی (← تصویر شماره ۴)، و بیت
صبح سعادت از افقِ غیب بردمید پیکِ بشارت از رو اقبال در رسید
مندرج در صفحه ۱۳۸ نسخه عکسی (← تصویر شماره ۵)، و بیت
ذکر لبِ تو حکایتی شیرین است وصفِ سر زلفِ تو حدیثی است دراز
مندرج در صفحه ۱۵۴ نسخه عکسی (← تصویر شماره ۶)، و تذکر اصلاحی ایشان در هر
سه مورد کاملاً بجاست و قرائت قبلی «مجال نامه به سوش کجا بو...»، «افق عید»، و
«... چو بیی است دراز» را مطابق قرائت ایشان تصحیح کردم.

۵. بیت

یارِ من چون ماهِ گه پنهان و گه پیدا شود تا دلِ شوریده‌ام هر دم ز نو شیدا شود
چنان‌که آقای نیساری تذکر داده‌اند، در نسخه عکسی (ص ۱۶۵) صریحاً با عبارت «یارِ ما»
آغاز شده است (← تصویر شماره ۷)؛ امّا، به لحاظ تطابق دستوری دو مصراع، به نظر رسید
که صورت مفرد «من» مناسب‌تر باشد هر چند، با توجه به تداول استعمال، مرجع ما در
«یارِ ما» الزاماً جمع نیست.*

طل زلف تراست در سینه یوز
هر آوازه عالم ناب

(تصویر شماره ۱)

ضعیف‌کنندم از هو و کوی تو جهان
که کوه پر شکوه مهر سوز

(تصویر شماره ۲)

* تذکر: در مقاله «سفینه تاج‌الدین احمد وزیر» (نامه فرهنگستان، شماره ۲۱، ص ۱۵۱، سطر ۱۹)، «صحت وزن و قافیه» غلط چاپی، و «صحت وزن و معنی» صحیح است.

سرکین عالی لسنه ان سردان منس
بدر رشت و لسنه ان هزاره

(تصویر شماره ۳)

الی و صامند موهو و والی علی لوشکی به صحت
لار خصل لرنم برین در صوم و صطاع و خالوگر

(تصویر شماره ۴)

وه البشر بما اقر کفینا و شمال العوس و لیب صبح صلات
لرا و صبر هین سکا ر لیره ابل در سیز و شه جان شتر

(تصویر شماره ۵)

ذکر لب و حکایتی میر بمنت و من سر ز لوقه شیت لراز

(تصویر شماره ۶)

یارا جون ماه که بهان و لریز بود
نماد لوقه لینه ام و قوم ز لوقه لینه

(تصویر شماره ۷)

